

ماشین می ایستد و چند داستان دیگر

ای. ام. فورستر
ترجمه مهناز دقیق نیا



سرشناسه: فورستر، ادوارد مورگان، ۱۹۷۰-۱۸۷۹م.

Forster, Edward Morgan

عنوان و نام پدیدآور: ماشین می‌ایستد و چند داستان دیگر/

ای. ام. فورستر؛ ترجمه مهناز دقیق‌نیا.

مشخصات نشر: تهران: چترنگ، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۲۸-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: Collected Short Stories.

موضوع: داستان‌های کوتاه انگلیسی -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: دقیق‌نیا، مهناز، ۱۳۴۰-، مترجم

رده‌بندی کنگره: PZ۳/ف۹۳م۲ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۴۵۷۴۳



چترنگ

ماشین می‌ایستد و چند داستان دیگر • ای. ام. فورستر • ترجمه مهناز دقیق‌نیا • ویراستاران: زهرا باختری، سبا هاشمی‌نسب • نمونه‌خوانی: گروه ویرایش نشر چترنگ • مدیر هنری: یوریک کریم‌مسیحی • نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵ • ۱۰۰۰ نسخه • لیتوگرافی و چاپ: تهران بدر • کلیه حقوق برای نشر چترنگ محفوظ است. • نشر چترنگ: تهران، خیابان نصرت غربی، پلاک ۵۸، طبقه دوم، واحد چهار، صندوق پستی: ۱۴۱۸۸۴۳۳۵ • تلفن: ۶۶۱۲۶۸۰۵ • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۲۸-۶ • www.chatrangpub.com

فهرست

۷.....	پیشگفتار ناشر خراسان
۹.....	درآمد.....
۱۳.....	داستان وحشت
۳۹.....	آن سوی پرچین
۴۷.....	اتوبوس آسمانی
۶۷.....	آدر کینگدام
۹۷.....	دوست کشیش
۱۰۷.....	جاده کولونوس
۱۲۱.....	ماشین می ایستد
۱۵۹.....	اصل مطلب
۱۷۹.....	هماهنگی
۱۸۹.....	داستان سیرین
۱۹۹.....	لحظه ابدی

پیشگفتار ناشر خارجی

تمام داستان‌های این کتاب، پیش از جنگ جهانی اول نوشته شده و در دو جلد با عنوان‌های اتوبوس آسمانی^۱ در سال ۱۹۱۱ و لحظه ابدی^۲ در سال ۱۹۲۸ به چاپ رسیده‌اند. این داستان‌ها تخیلی و سبک‌تر از رمان‌ها؛ اصلی‌فورستر مانند گذر به هند^۳ و هواردز اند^۴ هستند؛ اما در پس کم‌دی سرگرم‌کننده آن‌ها برش‌هایی از بن‌مایه‌هایی ژرف وجود دارد. فورستر داستان «ماشین می‌ایستد»^۵ را واکنش به آرمان‌شهرهایی توصیف کرده که اچ.جی.ولز^۶ در آثار متقدمش آن‌ها را به تصویر کشیده است. بسیاری از داستان‌ها، باوری ذاتی به نیروی طبیعت را بیان می‌کنند. طعنه غنّ‌آید جذابی در این مجموعه وجود دارد که واقعیت «پیشرفت» را بر ملا می‌کند و دیکری رنگ زیبایی حقیقی ادبیات است. از همه مهم‌تر، این شاهکارهای کنایه‌آمیز که بی‌رحمانه آداب رسوم بی‌معنای اجتماعی را به چالش می‌کشند، سرشار از باور به ارزش‌هایی انسانی هستند که امروزه تقریباً ناشناخته باقی مانده‌اند.

1. *The Celestial Omnibus*

2. *The Eternal Moment*

3. *A Passage to India*

۴. *Howards End*: این کتاب را مرحوم احمد میرعلانی با همین عنوان در سال ۱۳۷۴ و با همکاری انتشارات نیلوفر ترجمه و چاپ کرد.

5. *The Machine Stops*

6. H.G.Wells

درآمد

این داستان‌ها در تاریخ‌ها، متفاوتی پیش از جنگ جهانی اول نوشته شده‌اند و نمایانگر دستاوردهای من در مسیری خیره‌کننده هستند. از آن زمان تاکنون، تغییرات بسیاری در جهان به وقوع پیوسته است. نظم حمل و نقل به هم خورده است. بسیاری از مرزها، بر روی نقشه و چه بسا بر روح بشر، تغییر کرده‌اند. جنگ جهانی دوم را از سر گذرانده‌ایم و تدارک سومی نیز دیده شده است. امروزه خیال‌پردازی یا عقد نشینی کرده یا سنگر گرفته و یا از سر تمکین به بمب اتم، آخرالزمانی شده است. فقط کسانی که می‌خواهند خیال‌پردازی، یعنی این جنس لطیف را به دست بیاورند، می‌توانند عاقلانه آن را ست یازند. خیال‌پردازی بر فراز مناظر تعطیلات ایتالیایی و انگلیسی پرواز می‌کند یا پس با دلیلی ناموجه‌تر به طرف کشورهای آتیه بال می‌زند. جنس لطیف یا غیرلطیف، گریه می‌کند، خیال‌پردازی مؤنث است، گاهی به یک مرد می‌ماند و حتی دربارهٔ همسر هم مصاحبه می‌کند؛ هر مسی که فرامین کوچک‌تر خدایان از قبیل پیغام‌آوری، ماشین‌شکنی و به بیت ارواح به آخرتی نه‌چندان وحشتناک را به‌جا می‌آورد.

«داستان وحشت»^۱ اولین داستانی است که نوشته‌ام و در نتیجه، فضای آن در من زنده مانده است. بعد از اینکه از کمبریج مهاجرت کردم، یعنی مکانی که اخیراً به آن

بازگشته‌ام، یک سال به خارج از کشور سفر کردم. گمانم ماه مه ۱۹۰۲ بود که در نزدیکی راولپنڈی قدم می‌زدم. در دره‌ای چند مایل دورتر از شهر نشستم و ناگهان فصل اول کتاب درست مثل اینکه آنجا منتظرم بود، به ذهنم هجوم آورد. جوهر داستان را دریافتم و به محض اینکه به هتل بازگشتم، آن را روی کاغذ پیاده کردم. اما به نظرم ناتمام می‌آمد و چند روز بعد قدری به آن اضافه کردم تا زمانی که سه برابر شد و به شکل فعلی درآمد. از آن دو فرایند، اولی، یعنی نشستن روی بن‌مایه به مثابه تپه مورچگان، بسیار کم برایم پیش آمد. سال بعد این کار را در یونان کردم، جایی که کل داستان «جاده کولونوس»^۲ گویی از دریای ریدانی دور از شهر المپیا^۳ برای من آویخته شده بود. بار سوم آن را در شبه جزیره گورناردزهد^۴ واقع در بخش کورنوال^۵ انجام دادم، یا بهتر است بگویم امتحانش کردم. منسجم به همان ترتیب، داستان دیگری بر من فرود آمد و از آنجا که «وحشت» و «کولونوس» هر دو چاپ شده و مورد تمجید قرار گرفته بودند، من آن را چون شاهکاری دربر گرفتم. داستان درباره مردی بود که توسط ماهیگیرانی از غرق شدن نجات یافته بود و نمی‌دانست چگونه به آن‌ها بازگردد. زندگی‌ات چقدر می‌ارزد؟ پنج پوند، پنج هزار پوند؟ سرانجام او چیزش به آنان نداد و در میان آن‌ها با تحقیر و نفرت زندگی کرد. وقتی که بن‌مایه داستان به ذهنم هجوم آورد، دستم را به کیفم بردم، یک سکه طلای ساورین که آن زمان هنوز رایج بود، درآوردم و آن را در صندوق خیریه گروه قایق نجات رویال^۶ که در شبه جزیره گورناردزهد برای چنین معاصی کار گذاشته بودند، انداختم. وسعم می‌رسید، باید آن پول را دوباره کسب می‌کردم. من به این آنجا بود. دریای آرام و صخره‌ای که قهرمان من باید از آن آویزان می‌شد و تاب می‌خورد و دهکده‌ای که ناجیان او باید از آن راهی می‌شدند. بیشتر داستان را درآوردم و فقط با شخصیت همسر او را که زن بسیار فهمیده‌ای بود، طرح‌ریزی می‌کردم. عنوان این تلاش بدقبال،

۱. Ravello: شهری در جنوب ایتالیا.

2. The Road from Colonus

۳. Olympia: در دوران باستان مرکز مذهبی در جنوب غربی یونان بوده است که مسابقات المپیک نیز از سال ۷۷۶ قبل از میلاد در آن برگزار می‌شد.

4. Gurnard's Head

۵. Cornwall: شهرستانی در ناحیه جنوب غربی انگلستان.

۶. بزرگ‌ترین مؤسسه خیریه برای نجات انسان‌ها در سواحل انگلستان، ایرلند، جزایر مانش و جزیره انسان است.

«صخره»^۱ بود. یک شکست مفتضحانه. هیچ ویراستاری حاضر نشد به آن نگاه کند. این بار، الهام من مثل بسیاری از الهام‌های دیگر بی‌ارزش بود و از آن به بعد، دیگر هرگز طرحی به این شکل به سراغ من نیامد.

یکی از رمان‌های من به نام طولانی‌ترین سفر^۲ در واقع برآمده از مواجهه من با حس مکان^۳ بود؛ مواجهه‌ای غیرمستقیم و پیچیده که توصیف آن در این مقال نمی‌گنجد. حس مکان به طور مستقیم فقط سه بار الهام‌بخش من بوده که بار سوم یک ساورین از من ربود. من همیشه طبق استدلال‌ها و خاطره‌ها یا چرخش قلم خودم عمل می‌کنم و نتیجه این شبیه‌نمایی مختلف هم الزاماً ناموزون از کار در نمی‌آید. اگر خواننده بخش اول «داستان وحشت» را به دقتاً به بحث از جایی است که توصیف می‌کند، با دو بخش بعد از آن، که در آن‌ها من هم می‌دانستم چه اتفاقی در پیش است، مقایسه کند گمان نمی‌کنم متوجه شود اقلیم دیگر در کار بوده است. تمام قابلیت‌های یک نویسنده، از جمله قابلیت به هم بافتن داستان، برای منی خلاقانه دست به دست هم می‌دهند و با قرار دادن واژه‌ها در جای جای متن، اغدا، ماهی یک‌دست ساخته و پرداخته می‌کنند.

سایر داستان‌ها نیز نیاز به کمی توضیح از جانب نویسنده دارند. «ماشین می‌ایستد» واکنشی است به یکی از آرمان‌شهرها^۴ که ا.ج.س. ولز در آثار متقدمش به تصویر کشیده است. داستان «لحظه ابدی»، گرچه می‌تواند تحت قصه‌ای واقعی است، تأملی است جدی درباره شهر کورتینا دامپتزو^۵. اما داستان «اصل معال»^۶ را وقتی دوستان من در انتشارات بلومزبری^۷ منتشر کردند، چندان مورد پسند واقع نشد. من پرسیدند «اصل مطلب» چیست؟ و من نمی‌دانستم چگونه پاسخی به این سؤال را بدهم. این کتاب در اصل دو جلد بود. نام جلد اول از داستان «اتوبوس آستین»^۸ گرفته شده و به مجله ایندپندنت ریویو^۹ تقدیم شده بود؛ ماهنامه‌ای که هیئت تحریر آن را دوستان

1. Rock

2. The Longest Journey

3. Genius loci

۴. Cortina d'Ampezzo: عموماً کورتینا خوانده می‌شود و شهری کوهستانی در قلب آلپ‌های جنوبی در ناحیه ونتو در شمال ایتالیا است.

5. The Point of It

6. Bloomsbury

7. Independent Review

من تشکیل می‌دادند؛ هم آن‌ها که اول‌بار من را به نوشتن ترغیب و تشویق کردند. دوست دیگری به نام راجر فرای^۱ طرح رو و پشت جلد را آماده کرد. جلد دوم سال‌ها بعد منتشر شد. نام آن لحظه ابدی بود و من آن را برای خالی نبودن عریضه به تی.ای. که همان لورنس عربستان^۲ بود، تقدیم کردم.

و اما اکنون که تمام داستان‌ها در یک جلد جمع‌آوری شده‌اند و در جهانی که هرگز فکرش را نمی‌کردند، به حرکت درآمده‌اند، شاید لازم است تا به شخص جدیدی تقدیم سونا شاید؛ و شاید به یک خدا: هرمس سایکوپومپوس^۳ به ذهنم خطور می‌کند، هم او که در ابتدای این مجموعه از او یاد کردم. او می‌تواند بر دماغه کشتی بایستد و دریای فروپاشیده را تماشا کند.

ای.ام. فورستر

کمبریج، ۱۹۴۷

۱. Roger Fry

۲. Lawrence of Arabia: توماس ادوارد لورنس، رایزن نظامی انگلستان در حجاز (۱۸۸۸-۱۹۳۵).

۳. Hermes Psychopompos: سایکوپومپوس به معنای راهنمای ارواح است. هرمس سایکوپومپوس ارواح را از جسم مردگان به آرامگاه ابدی آن‌ها راهنمایی می‌کرد.